

دوره‌های استشراق

دکتر محمدحسن زمانی

عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی

- دوره هفتم استشراق: چاپ و نشر کتب

اسلامی و ضد اسلامی

- اولین چاپخانه کتب عربی مستشرقان

مستشرقان تا قبل از قرن ۱۶ برای دسترسی به کتب شرقی و اسلامی ناگزیر بودند نسخه‌های خطی شرقیان را خریداری و یا استنساخ کنند. که کار بسیار دشواری بود؛ اما در دهه ۸۰ قرن ۱۶ اسقف و دوق توسکانا و فردیناند فون میدیشی با تشویق پاپ اعظم و حمایت گریگور پنجم (۱۵۸۵-۱۵۷۲ م) برای اولین بار حروف عربی را به صورت قطعات حروف که قابل کنار هم گذاشتن باشند، به دست یک جوان ایتالیایی به نام گیوفانی باتیستا رایموندی در رم ساخته و بر اساس آن چاپخانه

چکیده

در مقاله نخست، شش دوره استشراق بررسی گردید و در این نوشتار، چهار دوره دیگر بررسی می‌شود. یعنی دوره چاپ و نشر کتب اسلامی و ضد اسلامی توسط مستشرقان، و دوره استشراق استعماری که از قرن هفدهم میلادی از سوی دولت‌های غربی با هدف تسلط بر شرق شروع شد؛ سپس دوره استشراق علمی در قرن بیستم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان، به دوره رویارویی استشراق با انقلاب اسلامی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: استشراق، قرآن، استعمار،

انقلاب اسلامی.

- تاریخچه تأسیس اولین چاپخانه‌های غربی برای کتب اسلامی و عربی

۱. ایتالیا

- ۱-۱. چاپخانه پاکانانی (paganani) در شهر بندقیه (ونزا) از اولین چاپخانه‌های غرب به منظور کار استشرافی بوده که در سال ۱۵۱۸ م به چاپ قرآن کریم اقدام کرد.
- ۱-۲. چاپخانه معهد یونانی در بین سال‌های ۱۵۷۲ تا ۱۵۸۷ م به دستور پاپ گریگور سیزدهم با همین انگیزه تأسیس شد.
- ۱-۳. چاپخانه کالج معهد رم (tipographia del Collegio Romano) در سال ۱۵۶۴ م تأسیس گردید.
- ۱-۴. چاپخانه میدتشی در رم در سال ۱۵۸۴ م تأسیس شد و مدیریت آن در اختیار مستشرق معروف ریموندی (Rimondi) قرار گرفت.
- ۱-۵. چاپخانه ساواری (Savary De Breves) در سال ۱۶۱۳ م در رم تأسیس شد.
- ۱-۶. چاپخانه کالج مارونی سال ۱۶۲۰ م تأسیس شد.
- ۱-۷. چاپخانه مجمع ایمال نیز در سال ۱۶۲۶ م تأسیس گشت.

کتب عربی را تأسیس کردند که افق جدید و پهناوری را برای بهره‌بری غربیان از کتب عربی باز کرد؛ البته سال ۱۵۸۶ حروف عربی به صورت زیباتری ساخته شد.

یکی از پدیده‌های مهم این قرن چاپ کتب مسلمانان بود که در سال ۱۵۸۶ م آغاز شد. چاپخانه‌هایی که به دستور کاردینال فردیناند مدیسی (Ferdinand de medici) تأسیس شده بود، متصدی چاپ این کتاب‌ها شدند که از مهم‌ترین تألیفات ابن سینا در پزشکی و فلسفه بود.^۱

کشور هلند سپس وارد عرصه چاپ کتب عربی شد و فرانسیکو (متوفی ۱۵۹۷ م) به ساخت حروف زیبای عربی برای چاپخانه اقدام نمود که می‌توان این تاریخ را خشت زیربنای صنعت چاپ کتب عربی چهارصد ساله لیدن به شمار آورد.

صنعت چاپ کتب عربی در آلمان نیز سال ۱۵۷۵ م با تلاش پزشک بیتر کریستن آغاز شد.^۲

۴. آلمان

در آلمان نیز چاپخانه‌های متعددی در همین قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی تأسیس شد که بسیاری از آن‌ها به چاپ کتب عربی و اسلامی همت گماشتند؛ مانند چاپخانه‌های شهرهای فرانکفورت، توبنگن، ویتنبرگ و برام.

۵. انگلیس

دو شهر لندن و آکسفورد قدیمی‌ترین شهرهایی هستند که چاپخانه‌هایشان به چاپ و نشر کتب اسلامی و عربی اقدام نمودند و اغلب در رشته‌های ادبیات عربی، تاریخ و جغرافیای چاپ می‌کردند.^۳

- آغاز کتب چاپ شده مسلمانان در غرب

۱. سال ۱۴۹۹ م. برای اولین مرتبه قرآن در بندقیه (و نیز ایتالیا) چاپ شد؛ اما اکنون از آن چاپ هیچ نسخه‌ای باقی نمانده است؛ زیرا همه نسخه‌هایش را سوزاندند.^۴

۲. سال ۱۵۱۸ م. قرآن کریم در بندقیه چاپ شد.

۳. سال ۱۵۸۵ م. کتاب جغرافیایی *البلدان فی عجائب الارض و البلدان* تألیف صالحی.

۱-۸. انتشارات و چاپخانه آمبروزین (imprimerie ambrosienne) در سال ۱۶۲۳ م در شهر میلان تأسیس شد.

۹-۱. چاپخانه سمینار (imprimerie du Seminire) نیز در شهر پادوس (Padous) در سال ۱۶۸۷ تأسیس گشت.

۲. فرانسه

مؤسسه (Savary de Bree) از معدود مؤسسات چاپ کتب استشرافی فرانسه بود که در سال ۱۶۱۶ م تأسیس گردید.

چاپ کتب عربی در فرانسه در دوره لوئی سیزدهم تحول و تکامل یافت.

۳. هلند

۱-۳. چاپخانه ویژه کتب شرق شناسی در دانشگاه لیدن سال ۱۵۷۵ م تأسیس شد و کتب مهمی از کتاب‌های اسلامی و عربی در این کتابخانه چاپ و منتشر گردید.

۲-۳. چاپخانه «ارینیوس» نیز در سال ۱۶۱۳ م با همین انگیزه تأسیس شد.

۳-۳. چاپخانه «ال زویر (Elzevier)» نیز در سال ۱۶۵۸ م تأسیس شد و بسیاری از کتب نفیس خطی عربی را چاپ کرد.

۴. سال ۱۵۹۲ م. کتاب *قواعد اللغة العربية* تألیف عثمان بن عمر بن الحاجب.
۵. سال ۱۵۹۳ م. کتاب *جغرافیایی نزهة المشتاق باختران الافاق* تألیف شریف ادریسی.
۶. سال ۱۵۹۳ م. کتاب *القانون فی الطب* تألیف ابن سینا.
۷. سال ۱۵۹۳ م. کتاب *فلسفی النجاة* تألیف ابن سینا.
۸. سال ۱۵۸۲ م. کتاب *الالغیاء العربية* در آلمان.
۹. سال ۱۵۹۴ م. کتاب *تحریر اقلیدس*.
۱۰. سال ۱۶۱۰ م. کتاب *التصریف زنجانی*.
۱۱. سال ۱۶۱۳ م. کتاب *صناعة النحو* در پاریس.
۱۲. سال ۱۶۳۲ کتاب *لغت القاموس المحيط* تألیف فیروز آبادی.
۱۳. سال ۱۶۵۰ م. کتاب *المختصر فی اخبار البشر* تألیف ابی‌الفداء در لندن.
۱۴. سال‌های ۱۷۳۶ - ۱۶۹۶ م. *ترجمه دقیق قرآن* با مقدمه جرج سیل.
۱۵. سال‌های قبل از ۱۷۲۰ م. *تاریخ المسلمین العرب* تألیف سایمون اوکلی.
۱۶. سال ۱۸۰۰ م. کتاب *الافادة و الاعتبار* تألیف بغدادی.
۱۷. سال ۱۸۱۸ م. کتاب *زهر الأفكار* تألیف تیقاشی.

- اعمال غرض در گزینش کتب مخدوش مسلمانان برای چاپ

همواره مشاهده و برگ برنده مسلمانان یعنی تمدن بزرگ اسلامی اندلس که تالو و ارتقای علمی آن قرن‌ها غرب را مبهوت کرده بود، برای غربی‌ها آزار دهنده بود، به ویژه که ورود دین اسلام به سرزمین اندلس از زیباترین و آرام‌ترین و انسانی‌ترین روش‌ها بوده است؛ زیرا مردم فرهنگ دوست اندلس بدون جنگ و فشار نظامی آیین اسلام را در قرن سوم پذیرفتند.

استشراق غرب برای لکه‌دار کردن این ویژگی و برگ برنده، در تحقیقات خود در کتب خطی مسلمانان، توانستند به کتابی در *تاریخ ورود اسلام به اندلس* دست یابند که نویسنده مسلمان آن در سرتاسر کتابش جز از خشونت و کشتار و رقابت‌های خلفای عباسی و اموی و لشکرکشی‌های فرماندهانش علیه یکدیگر و طرح مسموم ساختن یک فرماندار مسلمان اندلس توسط فرمانده بعدی و مانند آن سخنی در آن کتاب نگفته بود!

بالا تر آن‌که حتی جرعه اصلی حرکت طارق بن زیاد - فرمانده شجاع سپاه

جفری مقدمه‌ای که مملو از دروغ و تهمت است نیز بر کتاب *مصاحف* می‌نگارد. او به این اندازه هم بسنده نکرده، بلکه کتاب *القرآن، نزوله، تدوین، ترجمته و تأثیر* تألیف رژی بلاشر را در پایان این کتاب به آن ملحق کرده است. کتاب بلاشر نیز مملو از خبثات و فریب و سخنان بیهوده است.^۶

- انگیزه مستشرقان در نشر کتب تصوف و فرق اسلامی

دکتر محمد سید الجلیند - استاد دارالعلوم دانشگاه الأزهر - می‌نویسد: «بدون شک یکی از انگیزه‌های مستشرقان در تحقیق کتب متصوفه و فرقه‌های کوچک اسلامی، یافتن نظریات شاذ و اختلافات قدیمی تاریخی و دیدگاه‌های غلوآمیز و غیر معقول فرقه‌های اسلامی و انتشار آن‌ها در سطح جوامع اسلامی بوده است تا مسلمانان را به ادامه همان اختلافات و نقد و بررسی آن‌ها مشغول سازند.»^۷

در سال ۱۹۶۲ م در آلمان کتاب قطوری به نام *عقاید اسلام* نوشته شرق‌شناس آلمانی هرمان استیگر چاپ و پخش شد. در پایان این کتاب آمده است:

اسلام و فاتح اندلس - را نیز تحریک یک شاهزاده دختری به نام سارا - دختر غیطشه آخرین پادشاه قوط اندلس - می‌داند که از تصرف زمین‌های ارثی‌اش توسط عمویش پیش خلیفه مسلمانان هشام بن عبدالملک شکایت برده بود. هشام نیز فوراً او را به عقد عیسی بن مزاحم درآورد و در پی آن دو فرمانده اسلام با دو لشکر جداگانه به نام طارق ابن زیاد و موسی بن نصیر به اندلس حمله کردند، زمین‌های غصب شده را برای آن دختر خانم پس گرفتند و سپس حرکت طارق (فاتح اسلامی اندلس) با این رنگ و لعاب ادامه یافت!!^۸

- انگیزه مستشرقان در نشر کتب قرائات

دکتر اسماعیل سالم عبدالعال می‌نویسد: «انگیزه مستشرقان در چاپ و نشر کتب اختلاف قرائات، شعله‌ور کردن آتش فتنه‌ای است که عثمان آن را خاموش کرد. آن‌گاه که مسلمانان بر یک نسخه اتفاق نظر کردند.

بر همین اساس که کتاب *المصاحف* تألیف ابوبکر عبدالله بن ابوداود برای اولین بار به واسطه یک مستشرق انگلیسی به نام آرتور جفری احیا و تحقیق و منتشر می‌شود.

«بر ما واجب است تا دیدگاه‌های جدیدی نسبت به عقاید مسیحی خود پیدا کنیم تا فهم عمیقی نسبت به تعالیم اسلام داشته باشیم و بتوانیم یک مسلمان متدین را به درستی بشناسیم و برای این منظور از نقاط ضعفی که تاکنون به عنوان دلیل علیه اسلام به کار می‌بردیم، پرهیز کنیم. تا بتوانیم سدّ دفاعی جدیدی در دفاع از عقیده مسیحیت برپا سازیم. دفاعی که بتواند پاسخ‌گوی روح جوان و بالنده اسلامی و تحول فکری مسلمانان باشد.»^۸

غریبان اعتراف کردند که قبل از این، اشکالات زیاد آنان، براساس مجهولات و خرافات رایج در بین مسلمانان مبتنی بوده، نه بر خود اسلام.

- انگیزه بررسی‌های اسلامی مستشرقان

ریلاند - مستشرق معروف - برای اثبات ضرورت اسلام شناسی غریبان می‌نویسد:

«انسان باید زبان عربی را فرا گیرد تا عین سخنان محمد را با همان زبان خودش گوش کند. در این هنگام است که برایش روشن می‌شود که مسلمانان دیوانگانی نبودند که ما خیال می‌کردیم؛ زیرا خداوند به همه انسان‌ها عقل داده

است. به نظر می‌رسد دین اسلام که در سرزمین‌های پهناور آسیا و آفریقا و نیز اروپا منتشر شده، یک دین درهم و سستی نیست که بسیاری از مسیحیان خیال می‌کنند.

درست است که دین اسلام جداً دین بد و بسیار مضرّ به مسیحیت است، اما آیا حق یک انسان نیست که برای همین اهمیت و خطرش به بررسی آن پردازد و عمق حیل‌های شیطانی‌اش را کشف کند؟ لذا شایسته است که انسان به شناسایی حقیقت اسلام پردازد تا هم با توان بیشتر بتواند راهنمایی برای امنیت «جامه مسیحی در برابر پیشروی اسلام» فراهم کند.»^۹

«ک. کراج K.chagg» رئیس تحریریه مجله *العالم الاسلامی*، آن دو طرح را چنین به غریبان اعلام کرد:

«بر اسلام لازم است که یا یک تغییر ریشه‌ای در آن ایجاد گردد، یا از گردونه حضور در زندگی جامعه بشری خارج شود.»^{۱۰}

متأسفانه این دو طرح به مرور زمان به اجرا درآمد، آن هم نه فقط توسط مستشرقان و اسلام شناسان غربی و مسیحی و یهودی، بلکه به دست و قلم

و زبان بعضی مسلمانان روشنفکر بی‌هویت که به نام اسلام، مجری نیت پلید استشراق شدند:

سال ۱۹۸۱ م. در آلمان کتابی توسط یک مسلمان عرب استاد دانشگاه‌های آلمان چاپ شد به نام *ازمة الاسلام الحدیث عناصر اسلام جدید*. عنصر ممتاز اسلام نوینی که این نویسنده مسلمان نما معرفی کرده است، کنار گذاشتن احکام تکلیفی اسلام و معرفی اسلام به عنوان یک «دین اخلاقی» محض است!!

- هشدار امام خمینی(ره) نسبت به تحریف اسلام توسط مستشرقان

امام خمینی(ره) در یک سخنرانی سه توطئه از توطئه‌های استعمار و شرق شناسان آنان را برای تصرف کشورهای اسلامی چنین افشا کردند:

«بعد، یک مطالعات روانی این‌ها کردند که آیا چه‌طور ممکن است که دست بیابند به این مخازن عظیمی که در این ممالک هست. در ممالک اسلامی، آیا چه بکنند که این مخازن با سهولت به دستشان بیاید و مواجه با یک مخالفت‌هایی، مواجه با یک زد و خوردهایی نشود.

یک مطالعات زیادی هم در این باب این‌ها کرده‌اند، و به [این نکته] رسیدند در ممالک اسلامی، دو چیز را دیدند که این اگر باشد، ممکن است که سد راه آن‌ها باشد: یکی اصل اسلام، اگر اسلام به آن طوری که هست و به آن طوری خدای تبارک و تعالی اسلام را تأسیس کرده، اگر به آن طور اسلام پیاده بشود، فاتحه مستعمرین خوانده می‌شود. این راجع به اسلام که فکر کردند برایش.

یکی هم روحانیت اسلام که اگر این‌ها قوه داشته باشند و این‌ها آن طوری که باید مقتدر باشند در این بلاد، باز هم [استعمارگران] نمی‌توانند آن طوری که می‌خواهند استفاده بکنند. این‌ها با تمام ملت سر و کار دارند و در بین ملت اگر قدرت داشته باشد کسی، این‌ها هستند، که در همه ملت ممکن است قدرت داشته باشند. در صد برآمدند که این دو تا سد را به هر جور هست بشکنند؛ یعنی کاری بکنند که خود ملت‌های این‌ها، هر جمعیتی که هستند، در هر جا که هستند، این دو تا سد را با دست خود [بشکنند] این‌ها.

به واسطه تبلیغاتی شروع کرده‌اند از زمان‌های قدیم، با این تبلیغاتشان این دو

تا سد را که احتمال قوی می‌دادند که اگر استعمار و منافع استعماری، مواجهه با خطر بشود این دو تا سد است که خطر است، دیگر باقی‌اش خطر به آن طور نیست.»^{۱۱}

دوره هشتم - استشرق استعماری دول غربی برای سلطه بر شرق از قرن ۱۷ م.

عصر توسل استشرق تبشیری به «محاکمه تفتیش عقاید» و تبعید برای پایان دادن به حضور اسلام در اسپانیاست.

کلیسا و کشیشان شرق شناس که در قرن ۱۴ شاهد بودند، هیچ میدانی برای تبلیغ مسیحیت جز اسپانیا ندارند و از طرفی با مقاومت مسلمانان اسپانیا نیز مواجه شدند. اسقف کسیمانیس و کشیش تالافیرا تصمیم آخر را گرفتند و مسلمانان اسپانیا را بین دو راه مخیر کردند:

۱. تعمیم و پذیرش آیین مسیحیت؛
۲. مهاجرت به کشورهای دیگر.

بر اثر این تصمیم حکومتی عده‌ای از مسلمانان اسپانیا به کشورهای دیگر و غالباً به مغرب هجرت کردند، و بقیه مسلمانان هم با استفاده از اصل «تقیه» و اصل «میزان نیت است» و تجویز قرآن

مبنی بر «جواز اظهار کفر و اخفای اسلام در شرایط اضطراری» ظاهراً دین مسیحی را قبول کرده و هم‌چون آنان به عبادت در کلیسا و ازدواج پسرانشان با دختران مسیحی - نه بالعکس - و شرب خمر و خوردن گوشت خوک پرداختند.

کلیسا که در طول یک قرن متوجه این دوگانگی و عدم ایمان قلبی مردم به مسیحیت شده بود، به این تسلیم‌های ظاهری اکتفا نکرد و محکمه‌های تفتیش عقاید تأسیس و به محاکمه افراد پرداخت. اما این طرح هم سودی نبخشید و در قرن ۱۶ میلادی با ظهور و اقتدار مجدد امپراطوری عثمانی، مسلمانان اسپانیا قدرت تازه‌ای یافتند؛ از این رو، کلیسا ناچار شد در اول قرن ۱۷ سال ۱۶۰۹ رسماً دستور اخراج همه مسلمانان از اسپانیا را صادر کند. بر اثر همین فرمان، اغلب مسلمانان از اسپانیا به شمال آفریقا مهاجرت کردند و بدین وسیله توانستند پایان حضور اسلام را در شبه جزیره اسپانیا اعلام نمایند.^{۱۲}

غرب تا قرن ۱۶ میلادی در صدد راست کردن قامت خویش بود تا در برابر قدرت امپراطوری خلافت اسلامی (چه در دوره عباسیان و چه خلافت عثمانی)

- قرن ۱۷ آغاز ورود استعمار غرب در شرق با ورود هلند و بریتانیا به هند

در ۲۱ دسامبر سال ۱۶۰۰ م با تأسیس شرکت هلندی در هند، اولین گام استعمار غرب در شرق نهاده شد و در سال ۱۶۸۹ م با ادغام آن در شرکت دیگری، تقویت گشت و به تصدی شئون هند و کنار زدن دولت مسلمان مغول‌ها و تیموریان پرداخت. پس از جنگ ۱۸۳۰ م یعنی سال ۱۸۵۷ م دولت بریتانیا قدرت شرکت هند شرقی را به طور رسمی به حکومت بریتانیا منتقل کرد و سلطه مطلق سیاسی انگلیس بر هند اعلام شد.

در همان سال ۱۸۵۷ نیز فرانسه، الجزایر و صحرای بزرگ را تصرف کرد و ۷۰ سال آن را در تصرف و سلطه استعماری خویش نگه داشت. سودان را تصرف کرد و ۲۰ سال در سلطه خویش نگه داشت. اندونزی (جزایر هند شرقی) به اشغال انگلیس و فرانسه درآمد، روند استعمار کشورهای شرقی و اسلامی توسط دولت‌های غربی هم‌چنان تا قرن بیستم ادامه یافت، به طوری که در اواخر قرن ۱۹ غرب بر اکثر سرزمین‌های شرق و اسلامی و مرکز شرق آسیا و آفریقا مسلط شده بود.^{۱۴}

بتواند خود را از نابودی نجات دهد؛ اما با مرگ سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۸۱ م و افول تدریجی خلافت سلطان سلیم اول و سلطان سلیمان قانونی و عدم قدرت مدیریت آن همه سرزمین‌های پهناور اسلامی امپراطوری عثمانی، تلاش غرب برای در هم شکستن اقتدار رقیب و تجزیه دولت بزرگ عثمانی و استعمار هریک از سرزمین‌های شرق و اسلامی به وسیله یک دولت غربی آغاز شد.

از قرن ۱۷ بیشترین پژوهشگران غربی که به سرزمین‌های شرقی و اسلامی وارد شدند، جاسوسان استعمار انگلیس و فرانسه و دیگر دولت‌های اروپایی و آمریکایی بودند؛ مانند لورانس - جاسوس انگلیسی و طراح تجزیه امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول - آرمینوس و امبری - جاسوس اعزامی انگلیس به ایران و آسیای میانه - سنوک هر خرونیه - جاسوس هلندی اعزامی به حج - انگلس - جاسوس آمریکا و اولین مستشرق آمریکایی در مصر - سیاحان انگلیس در هند برای استعمار هندوستان، و نیز همه کارشناسان اعزامی دول غیبی به سفارت‌خانه‌های خود در تمام کشورهای شرقی.^{۱۳}

- ورود پرتغال و فرانسه به مرحله جدید

آغازگر مرحله جدید استشرق استعماری در قرن اخیر، کشور «پرتغال» بود که در اوایل قرن ۱۶ م. محققان خود را برای شرق شناسی و یافتن زمینه‌های استعمار کشورهای شرقی به سرزمین شرق گسیل کرد.

سپس «انگلستان» شرق‌شناسی استعماری را آغاز کرد و گوی سبقت را از پرتغال ربود و تا هند پیش رفت. «فرانسه» در همین دوران وارد شرق شناسی استعماری شد و او هم اتفاقاً سر از هند درآورد؛ از این رو، رقابت بین دو قدرت استعمارگر در هند شروع شد و دو مرتبه جنگ بین دو استعمارگر در کشور میزبان یعنی هند بین سال‌های ۱۷۴۴ تا ۱۷۴۸ و نیز بین ۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳ م رخ داد که در پایان، انگلیس غالب شد و شرکت هند شرقی را مستقر کرد.

اما آن‌گاه که زمامداری فرانسه در کف قدرت ناپلئون - جنگجوی جهان گشای فرانسوی - قرار گرفت، با اشغال کشور مصر راه هند را بر انگلیس بست.^{۱۵}

- پیشنهاد ولنی به ناپلئون در مورد درهم**شکستن امت اسلامی**

ولنی (Volney) - مستشرق و سیاح و نویسنده بزرگ غربی - که در طی سفرهایش به کشورهای اسلامی در صدد یافتن راه‌های واقع بینانه برای سلطه غرب بر شرق بود، مطالبی را در کتاب‌هایش به رشته تحریر درآورد که ناپلئون آن‌ها را منشور کار خویش قرار داد.

ناپلئون خط مبارزه و جنگ برای سلطه بر شرق را که از ولنی آموخته بود، چنین نقل می‌کند:

«طرح سلطه فرانسه بر شرق با سه مانع رو به رو است:

۱. انگلیس به عنوان یک رقیب؛
۲. حکومت امپراتوری قدرتمند و باب عالی عثمانی؛

۳. امت مسلمان و مبارز با این مانع سوم سخت‌ترین مبارزه است.»^{۱۶}

البته می‌توان مأموریت ششم آن‌ها را نیز برشمرد که «خریداری برخی شخصیت‌های برجسته یک کشور» می‌باشد.

دولت‌های استعماری غرب آن‌چنان نسبت به شناسایی راه‌های تفرقه بین مسلمانان و شرق توسط کارشناسان و مستشرقان خویش اهتمام دارند و «اتحاد مسلمانان» را خطری بزرگ در برابر موجودیت استکباری خویش می‌دانند، و

بال علمی استعمار و تبلیغ مسیحیت و صهیونیسم است...؛ البته این جریانها زیر پوشش شرق شناسی خود را استتار کرده و به حمایت غیر علنی آن می‌پردازد.

- پیوند رشد شرق شناسی با رشد استعمار

یکی از بهترین نشانه‌های نقش «انگیزه سیاسی» در پژوهش‌های خاورشناسی و پیوند و ارتباط تنگاتنگ بین آنها، تقارن دوره رشد آنها بوده است. ادوارد سعید می‌نویسد:

«دوره رشد سریع در مؤسسات شرق شناسی و محتوای آنها دقیقاً با دوره توسعه قلمروی جغرافیایی سلطه اروپا منطبق است. در خلال سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۹۱۴ م. حجم آن بخش از کره زمین که مستقیماً زیر سلطه استعماری اروپا قرار داشت، از ۳۵٪ سطح کره زمین به ۸۵٪ آن افزایش پیدا کرد.

تمام قاره‌های زمین به نحوی از این امر مداخله استعماری تأثیر پذیرفتند، به خصوص قاره‌های آفریقا و آسیا بزرگ‌ترین امپراطوری‌های مستعمراتی دوران انگلستان و فرانسه بودند...»^{۲۰}

چون مدیریت جامعه بشری را در انحصار خویش دانسته و فقط به حق حیات خویش در جهان فکر می‌کنند که گاه این دیدگاه غیر انسانی خویش را به زبان آورده و برای مثال، هاملتون گیپ (۱۹۷۱ - ۱۸۹۵) مستشرق انگلیسی و عضو مجمع لغوی مصر چنین اعلام می‌کند:

«اتحاد المسلمين بمثابة اللعنه علی العالم»^{۱۷}

«مستشرقان ازدهاهایی در کسوت بشراند بسیار خطرناک‌تر از افعی‌ها؛ زیرا زهر خویش را در لابه‌لای طعم شیرین کارهای علمی و تمجیدهای ظاهری پنهان می‌کنند»^{۱۸}

دکتر محمد خلیفه حسن - از اساتید رشته شرق شناسی دانشگاه امام محمد بن سعود عربستان - تعبیر زیبایی در ترسیم سیما و ماهیت استعماری استشراق دارد.

نصّ عبارت عربی او چنین است:

«فقد كان الاستشراق يمثل الجناح العلمی لكل من الاستعمار و التنصیر و الصهیونیه ... التستر وراء الاستار العلمیة الاستشراقیه و تحول الحماية المذكور، الی حماية غیر معلنه»^{۱۹}؛ شرق شناسی

- قرن ۱۹ ظهور قوی استعمار همگام با افزایش تلاش استشرق

تاریخ در قرن ۱۹ شاهد تحولات بزرگ سیاسی در ارتباط شرق و غرب است؛ زیرا کشورهای متعدد شرقی رسماً به استعمار دولت‌های استعمارگر غربی درآمد و تحت قیمومیت آن‌ها قرار گرفت و دقیقاً در همین دوران، اعزام پژوهشگران غربی به این کشورهای مستعمره شرقی برای شرق شناسی و اسلام شناسی افزایش یافت و کارشناسان رشته شرق شناسی در وزارت خارجه این دولت‌ها جایگاه رسمی پیدا کرد و مؤسسات شرق شناسی در دانشگاه‌های غرب بیشتر شد و رابطه مستشرقان، دانشگاه‌ها با وزارت خارجه و وزرای جنگ این دولت‌ها بیشتر خود را نشان داد؛ برای مثال:

۱. سرزمین بزرگ هندوستان که از قرن ۱۷ میلادی تحت نفوذ «شرکت هند شرقی» قرار گرفته بود، بر اثر کارشناسی‌های مستشرقان و هند شناسان انگلیسی در سال ۱۸۷۵ م. رسماً به تصرف دولت بریتانیا درآمد.
۲. سرزمین اسلامی الجزائر که از سال ۱۸۳۰ مورد حمله ارتش فرانسه

قرار داشت، پس از کارشناسی‌های مستشرقان مربوط، در سال ۱۸۵۷ رسماً تحت سلطه و تصرف فرانسه درآمد.

۳. اندونزی که از قرن ۱۷ توسط شرکت هلندی هند تحت سلطه نسبی درآمد بود، در همین زمان رسماً توسط هلند اشغال شد.

۴. کشور مصر و تونس نیز پس از جمع‌آوری اطلاعات توسط مستشرقان در سال ۱۸۸۱ اشغال شد.

۵. پس از جنگ جهانی اول و موفقیت استعمار غرب برای تجزیه کشورهای اسلامی، اکثر این کشورها مستقیم یا غیر مستقیم تحت سلطه استعمار دول غربی قرار گرفتند.^{۲۱}

اسلام شناسی و شرق شناسی با هدف کشف عقاید و باورهای مسلمانان و شرقیان و مطامع غربیان در شرق آن قدر مهم است که لوئی نهم رسماً اعلام کرد:

«ان السیف لم ینفع من هؤلاء المسلمین، بل یجب ان نفتش عن السبب الذی یجعلهم دائماً ینتصرون»^{۲۲}

جنگ با شمشیر با این مسلمانان «مقاوم» نتیجه‌ای ندارد، بلکه لازم است به کند و کار پردازیم تا «رمز» پیروزی

«امپریالیسم سیاسی» به طور کامل بر تمام این رشته مطالعاتی، تصورات مربوط به آن و نهادهای تحقیقی وابسته‌اش حکومت می‌کند، به طوری که احتراز از آن از نظر فکری و تاریخی اساساً ممکن نیست.^{۲۴}

ادوارد سعید از زبان غربیان و مستشرقان می‌نویسد:

«هرگز اجازه داده نشود که مشرق زمین راه خود را رفته و یا کنترل آن از دست ما خارج شود.»^{۲۵}

آن قدر اهداف استعماری با فعالیت‌های علمی و پژوهشی شرق شناسی مستشرقان در غرب آمیخته شد که ادوارد سعید پس از ملاحظه و مشاهده مستقیم فعالیت‌های استشراق در غرب نوشت:

«استدلال من بر این پایه است که واقعیت شرق شناسی هم "ضد بشری" و هم "دیرپای" است.»^{۲۶}

- سفرنامه‌های مستشرقان در خدمت تهاجم نظامی ناپلئون

«ناپلئون» در حمله به مصر و اشغال آن، در عرشه کشتی «the orient» دهها دانشمند شرق شناس را به همراه داشت. آنان «شعار» «حمایت از مملوکین» و

آن‌ها را که در همه جنگ‌ها عامل موفقیت آنان می‌شود، کشف کنیم (و خنثی سازیم).»

- استشراق یک دانش ژئوپولیتیک

حتی کسانی که «استشراق» را به نحوی تبرئه می‌کنند و آن را یک نوع توطئه شرورانه امپریالیسم نمی‌دانند، باز به انگیزه سیاسی استشراق تصریح کرده‌اند. ادوارد سعید مسیحی - استاد رسمی دانشگاه کلمبیا در نیویورک - می‌نویسد:

«شرق شناسی صرفاً یک موضوع یا رشته سیاسی نیست ... و این هم نیست که بگوییم شرق شناسی نماینده و بیانگر نوعی توطئه شرورانه امپریالیسم غربی برای سرکوب و تحقیر جهان شرقی است، بلکه نوعی گسترش و توزیع آگاهی ژئوپولیتیک (جغرافیای سیاسی) در بین متون زیباشناسی تحقیقی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و زبان شناسی است.»

اما در چند سطر قبل از آن می‌نویسد: «عقیده من این است ... علاقه اروپایی‌ها و سپس آمریکایی‌ها به شرق «دلایل سیاسی» داشت، اما این فرهنگ بود که آن علاقه را ایجاد کرد.»^{۲۳}

او می‌نویسد:

«داعیه تساوی حقوق و دستمزد آنان را با عرب‌ها» جهت همراه کردن آنان در جنگ با مسلمانان مطرح کردند و نیز آنچه بیش از همه در موفقیت این لشکرکشی تأثیر گذاشت، استفاد ناپلئون از محققان و اندیشمندان برای ترتیب دادن تماس‌های او با افراد محلی بود.

جالب آن است که «انجمن شرق شناسی مصر» در همان شرایط به دستور ناپلئون تأسیس شد. ناپلئون در آن سفر حمله کتاب سفرنامه *مسافرت به مصر و سوریه* و کتاب *ملاحظات پیرامون جنگ واقعی ترک‌ها* تألیف کنت دو ولنه - سیاح فرانسوی - را همراه خود می‌برد. این مطلب را خود ناپلئون در کتاب *لشکرکشی به مصر و سوریه سال‌های ۱۷۹۸-۹* که وی در جزیره سن هلن به ژنرال برتراند انشا می‌کرد، یادآوری کرده است.^{۲۷}

«انستیتوی شرق شناسی» که ناپلئون در فرانسه تأسیس کرده بود و از همان لحظه شروع اشغال شخصاً مراقب بود که جلسات انستیتو مرتباً برگزار شود و شامل گروه‌های شیمی دان، مورخان، زیست شناسان، باستان شناسان، جراحان

و عتیقه شناسان بود. این انستیتو «قسمت علمی ارتش» را تشکیل می‌داد. این گروه‌های مستشرق تمام اطلاعات مصر را در جهت اهداف ارتش تعقیب کرده و ثبت می‌کردند، و مجموعه این اطلاعات در ۲۳ جلد کتاب *قطور به نام شرح و توصیف مصر* گردآوری شد.^{۲۸}

- سوء استفاده ناپلئون از دین و عالمان دینی

یکی از اصول و دستاوردهای پژوهشی شرق شناسان به سیاستمداران غربی این توصیه بود که هنگام تهاجم به کشورهای اسلامی، طرح داعیه اسلام خواهی و احیای حقوق اسلامی و به کارگیری عالمان دینی برای توصیه مسلمانان کشورهای مورد تهاجم را مد نظر خود قرار دهند.

از شگفتی‌های تاریخ روابط غرب با شرق را می‌توان اشک‌های تمساح گونه ناپلئون به عنوان دلسوزی برای اسلام و همراهی عالمان دینی مصر در حمله به مصر دانست! ادوارد سعید می‌نویسد:

«از لحظه نخست که طلایه داران لشکر ناپلئون در سرزمین مصر ظاهر شدند، هر کوشش متصوری به عمل آمد

که مسلمانان متقاعد شوند که "ما مهاجمان واقعاً مسلمان هستیم"...

ناپلئون همه جا سعی می‌کرد اثبات کند که: «او برای اسلام می‌جنگد.» هرچه که او می‌گفت، «به زبان عربی قرآنی ترجمه می‌شد.» درست همان گونه که فرماندهان ارتش فرانسه دائماً به سربازان خود گوسزد می‌کردند که مواظب «حساسیت اسلامی» مردم باشند ...

وقتی برای ناپلئون مسلم شد که نیروی نظامی او برای کنترل همه مصریان خیلی کم است، در آن هنگام وی کوشش کرد که از «امام‌ها»، «قاضیان»، «مفتیان» و «علمای محلی» برای «تفسیر قرآن» در جهت منافع ارتش کبیر فرانسه استفاده کند. برای این منظور ۶۰ نفر عالمانی که در «الازهر» تدریس می‌کردند، به مقر ناپلئون دعوت شدند و برایشان همه گونه احترامات نظامی به عمل آمد و سپس گوش به سخنان تحسین آمیز ناپلئون از اسلام و حضرت محمد ﷺ و نیز تکریم و تعظیم وی نسبت به قرآن دادند!! و این در حالی بود که به نظر می‌رسید ناپلئون با مطالب قرآنی کاملاً آشناست!!

این تاکتیک تأثیر خود را بخشید و به زودی چنان به نظر آمد که مردم قاهره عدم اعتماد خود به نیروهای اشغالگر را از دست داده‌اند. ناپلئون وقتی مصر را ترک کرد، به جانشین خود کلبر (Kleber) مؤکداً دستور داد که همواره مصر را بر حسب نظر و مشورت شرق شناسان و رهبران دینی اسلامی که می‌توانست از حمایت ایشان برخوردار شود، اداره کند. هرگونه سیاست و تاکتیک دیگری «پرهزینه» و «احمقانه» بود.^{۲۹}

دوره نهم شرق‌شناسی: شروع استشراق علمی در قرن بیستم

از اوایل قرن بیستم میلادی و اندکی از نیمه‌های قرن نوزدهم، تعدادی از دانشمندان و پژوهشگران در کشورهای هلند، فرانسه، آلمان و تعداد کم‌تری در دیگر کشورها به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری عمومی استشراق و اسلام شناسی غرب در طول تاریخ، مغرضانه و غیر منصفانه بوده، و غالباً در جهت اهداف تبشیری و استعماری انجام می‌گرفته است. برخی از آنان از این پیشینه زشت و غیر انسانی احساس شرمندگی کرده و مانند سازن با صراحت تمام، دوره‌های اول شرق

شناسی غربیان را «عصر جهالت غربیان» نامید و در کتاب خویش نگاه غرب به اسلام نوشت:

«ما هیچ‌گونه انتظاری نباید از آن دوران داشته باشیم که نقدهای علیه اسلام با روح آزاد منشی و علمی و آکادمیک و اصول و آداب انسانی انجام گرفته باشد.»^{۳۰}

جمعی از مستشرقان معاصر سعی دارند خود را از تعصب‌ها و تحریف‌ها کج فهمی‌های مستشرقان قرن‌های پیشین تبرئه کرده و دوره حاضر استشرق را «دوره واقع‌نگری» بنامند.

جان اسپوزیتو - مستشرق معاصر آمریکایی و استاد ادیان دانشگاه «جورج تاون» واشنگتن - که آموزش‌های اسلام‌شناسی را نزد استاد اسماعیل فارقی در دانشگاه فلادفلیا گذرانده است، می‌نویسد:

«استشرق جدید باید کاملاً از این جهت از استشرق گذشته جدا گردد، (آن قدر اسم مستشرق بار ضد ارزشی دارد) که من راضی نیستم نام مستشرق (Orientalist) بر من بگذارید، بلکه مرا به عنوان یک اسلام‌شناس (Islamist) صدا بزنید.»^{۳۱}

لذا در این یکی دو قرن اخیر با چهره‌های استشرق منصف علمی همچون یوهان باکب رایسکه، یوهان فوک مؤلف کتاب تاریخ حرکت الاستشرق، ادوارد سعید استاد دانشگاه کلمبیای نیویورک و مؤلف مسیحی کتاب شرق‌شناسی، ونسنگ مؤسس و طراح دائرة المعارف اسلام لیدن، و معجم احادیث نبوی مواجه می‌شویم.^{۳۲}

گرچه تقدیر از این گونه افراد به معنای تأیید همه نظریات و فعالیت‌های آنان نیست؛ چنان‌که وجود این گونه افراد معدود منصف منافاتی با اکثریت مغرض ندارد؛ از این رو، نباید خیلی به ادعای مستشرقان جدیدی گوش داد که مانند گوته در کتاب درآمدی بر بررسی فلسفه اسلامی سعی کرده‌اند با اعلام قرن ۱۹ و ۲۰ به عنوان «عصر استشرق علمی» کل جریان استشرق مغرض موجود را تبرئه کنند.^{۳۳}

بنابراین، نباید فراموش کرد که شاید یک جریان عظیم تاریخی خاورشناسی و اسلام‌شناسی به دو دوره ظاهری «Old Orientalism» و «New Orientalism» تقسیم شده است.

شخصیت‌های برجسته‌ای از این طیف در قرون اخیر ظهور کردند؛ مانند:

دانشگاه کلن با پروفیسور عبدالجواد فلاطوری بود.

اولریش ماتس (Utrich matz) رئیس دانشگاه کلن می‌گوید:

«فلاطوری سهم بزرگی در علاقه‌مندی و پژوهش اسلام شناسان به مذهب تشیع داشته است. سنگ اول این تلاش جدی، افتتاح کتابخانه شیعه در سمینار شرق شناسی دانشگاه کلن بود که در نوع خود، یکی از مهم‌ترین کتابخانه‌های شیعی خارج از ایران محسوب می‌شود.»

با درگذشت نا به هنگام فلاطوری، فعالیت‌های این کتابخانه کم رونق شده است. ضروری است این کتابخانه تکمیل و پررونق گردد تا خدمات رسانی علمی و فرهنگی آن به علاقه‌مندان و پژوهش‌گران سراسر جهان، بیش از پیش گردد.

دکتر مهدی محقق درباره این کتابخانه می‌نویسد:

در سال ۱۳۵۶ برای کنگره تاریخ علوم و فلسفه در قرون وسطا یا به شهر بن آلمان رفته بودم که به دعوت مرحوم فلاطوری، به شهر کلن رفتم. او کوشش‌های خود در نشر اسلام و معرفی

جان یعقوب رایسکه آلمانی گوستاو فلوگل آلمانی، ژول لایوم فرانسوی، ادوارد مونیته فرانسوی، ونسینگ هلندی، یوهان فوک آلمانی، نیکلسون عرفان شناس انگلیسی، موریس بوکای فرانسوی، جرج جرداق مسیحی، جان دیون پورت انگلیسی، ایزوتسوی ژاپنی، ادوارد سعید و شهید دکتر ادوارد و آنیلی ایتالیایی.^{۳۴}

- کتابخانه شیعه کلن آلمان^{۳۵} - نمادی از تعامل مثبت استشراق با تشیع

گرچه آن قدر مستشرقان غربی با تمام عناصر اسلامی و شرقی به ویژه تشیع رابطه استعمارگرانه داشته‌اند که انسان کم‌تر می‌تواند به کارها و خدمات خالص علمی آنان خوش بینانه نگاه کند، ولی جامع‌نگری، اعتدال و انصاف ایجاد می‌کند که افق تعامل مثبت و خدمات علمی برخی مستشرقان نیز در رساله گشوده شود. تأسیس «کتابخانه شیعه کلن آلمان» نمونه‌ای از آن خدمات می‌باشد که با همت یک مرد با عزم، جامعه عمل به خود پوشاند.

یکی از اقدام‌های تاریخی در کشور آلمان، تأسیس کتابخانه تخصصی شیعه در ۱۹۶۵ م. بود. این کتابخانه، نتیجه همدلی مؤسسه شرق شناسی

شیعه را برای من شرح داد و مرکز تحقیقات شیعه که خود آن را پایه گذاری کرده و امهات منابع فقهی، اصولی، فلسفی و کلامی شیعه را در آن جا گرد آورده بود، به من نشان داد که اگر همت و کوشش او نبود، امکان بردن این منابع به آسانی به آن دیار به دست نمی‌داد.

- ضرورت تأسیس این کتابخانه در گذشته

ضرورت‌ها و زمینه‌هایی را که به تأسیس کتابخانه تخصصی شیعه در آلمان منجر شد، می‌توان در چند محور زیر تحلیل کرد:

۱. وجود کتابخانه‌های عمومی و تخصصی فراوان در آلمان که گاه گزارش آن‌ها به هفت میلیون می‌رسد.
۲. آلمان یکی از کانون‌ها و قطب‌های بزرگ فرهنگی در جهان است. شاخص‌های فرهنگی این کشور در سطح بالایی قرار دارد؛ برای مثال، هر سال بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب جهان، در فرانکفورت آلمان برگزار می‌گردد. در بخش پررونق آموزش و پژوهش مربوط به ادیان و مذاهب، وجود مرکزی برای اطلاع رسانی و خدمات رسانی فرهنگی،

ضروری بود و این با تأسیس کتابخانه تخصصی شیعه مرتفع گشت.

۳. رویه علم‌گرایی در شرق شناسی آلمان، بیشتر از کشورهای غربی است.

۴. حضور چند میلیون مسلمان سنی مذهب در آلمان، زمینه‌ای فراهم آورده بود که خاور شناسان آلمانی به راحتی، به منابع سنی دسترسی داشته باشند؛ اما به رغم اهمیت شیعه به عنوان یکی از شعبه‌های مهم اسلام و حضور دوپست هزار نفری آن‌ها، منابع علمی تشیع در آلمان کم‌تر یافت می‌شد. این موجب کم‌اطلاعی یا ناآگاهی دانشمندان این کشور از تشیع شده بود.

دوره دهم استشراق: شیعه شناسی و بررسی انقلاب اسلامی ایران

- نبرد مستقیم استشراق استعماری با تشیع و انقلاب اسلامی

- راز مبارزه ویژه غرب با تشیع

گرچه دین مبین اسلام به عنوان آیین الهی ناب تحریف نشده محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذاتاً در بردارنده عنصر «عزت»، «استقلال»، «صلابت» و «ستم‌ناپذیری» است، از این رو، استعمارگران غربی همیشه در مراحل ورود سلطه آمیز خود

به سرزمین‌های اسلامی با مقاومت «دین و دینداری» رو به رو بوده‌اند، اما در میان برداشت‌ها و تفکرهای گوناگون و مذاهب اسلامی، مذهبی شیعه به عنوان «مذهب خون و مقاومت و شهادت» شناخته شده است؛ زیرا نه تنها همه امامان معصوم این مذهب نام‌های مبارکشان آذین بخش بهشت شهیدان است، بلکه پیروان این مذهب در طول تاریخ اسلام همیشه دچار تنگناها، حبس‌ها، اعدام‌ها، تازیانه‌ها، محکومیت‌ها و محرومیت‌های سیاسی از جانب زمامداران حتی حکام به ظاهر مسلمان بوده، و تا کنون نهال مذهب شیعه را با خون خویش آبیاری کرده و زنده و پویا و پرنشاط متحرک نگه داشته‌اند. عنصر برجسته «عزت طلبی»، «استقلال‌گرایی» و «ستم ستیزی» مذهب شیعه باعث شده تا دولت‌های استعمارگر وحشت بیشتری از مذهب شیعه و شیعیان داشته باشند و به همین جهت، توطئه‌ها و مبارزات آن‌ها علیه تشیع بیشتر و گسترده‌تر است. این عنصر ذاتی، یعنی ستم ستیزی شیعه، وقتی بیشتر جهان‌خواران غربی را به وحشت انداخت که توانست «انقلابی اسلامی» را با ماهیت شیعی در ایران

ایجاد و پیروز کند و حکومتی با همین ویژگی ستم‌ناپذیری و ستم ستیزی به نام «جمهوری اسلامی» را به بشریت تقدیم نماید. صفحات آینده نشانه کوچکی از حجم مبارزات و دشمنی‌های آمریکا و اسرائیل و استشراق استعماری علیه شیعه و انقلاب اسلامی ایران است.

- انقلاب اسلامی سرآغاز نابودی آرزوهای غرب از دیدگاه ماکسیم رودنسون

زمامداران و تئوریسین‌ها و حکام کشورهای غربی در قرن‌های اخیر خواب‌هایی برای اسلام دیده بودند و آرزوهای دور و درازی را در سر می‌پروراندند. آن‌ها در این دو قرن اخیر مقداری از حرکت جهان‌شمول فرهنگ اسلام نخستین؛ راحت شده بودند و مجموعه دستگاه‌ها و تلاش‌های جهانی خویش را بدان سوی می‌بردند که دین اسلام هم‌چون دین مسیحیت یک تفکر و مکتب عبادی و اخلاقی محض در پنجه حکام غرب گشته و دخالتی در سیاست‌گذاری دول غرب نداشته باشد؛ اما ... صاعقه‌ای درخشید و همه آن رؤیاها را باطل کرد.

ماکسیم رودنسون تئورسین شرق شناسی و اسلام شناسی قرن بیستم در کتابش این کابوس را چنین گزارش می‌کند: «دین اسلام همیشه جهان غرب را مسحور کرده و غالباً به عنوان یک تهدید بزرگ خودنمایی کرده است...! اما قرن ۱۹ و ۲۰ شاهد انزوای دین اسلام از صحنه تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های جهان شدیم. دین اسلام داشت به تدریج در جهان غرب هضم می‌شد و صرفاً به عنوان یک عقیده و یک دین بسیط و ساده هم‌چون دیگر عقاید و ادیان که فقط به الهامات روحی و اخلاقی می‌پردازند، در می‌آمد که تحت شعاع نظام تمدن صنعتی غرب به خدمت اخلاقی پردازد؛ اما انقلاب اسلامی ایران و تحولات اصول گرایانه بدون سازش آنان همه این برنامه‌ها را به هم ریخت؛ چنان‌که حتی در یک فترتی قیمت نفت را که خداوند با سخاوت به بندگان مؤمنش ارزانی داشته بود، آن‌ها گران کردند!

اکنون جهان اسلام روحیه غیرتمندانه و پایبندی شدیدی بر فرهنگ انقلابی خویش پیدا کرده که اصلاً با «توجهات روحی» سازگاری ندارد. این‌گونه، اسلام

بار دیگر هم‌چون گذشته به صورت یک تهدید خودنمایی می‌کند.»^{۳۶}

- نقش اشغال لانه جاسوسی در نشر کتب اسلام شناسی در آمریکا

ماکسیم رودنسون (maxime Rodenson) - مستشرق معاصر فرانسوی - کتابی در تحلیل و تخریب شخصیت پیامبر اسلام ﷺ تألیف کرده که این رویکرد مغرضانه از نام کتاب او **Mahomet** پیداست.

خود وی در مقدمه چاپ اخیر کتاب جهت تعریف اهمیت و تأثیر گذاری جایگاه کتاب خویش در تعامل بین آمریکا و ایران، چنین گزارش می‌کند:

«کتاب حاضر در سال ۱۹۷۱ م. از فرانسه به انگلیسی ترجمه شد و در انگلستان و آمریکا منتشر گشت، اما فشار تحولات ایران در سال ۱۹۷۹ باعث شد تا انتشارات پنگوئن (pantheon books) تصمیم چاپ و نشر مجدد آن را بگیرد. این تصمیم نشانه آن بود که انسان نمی‌تواند این پدیده‌های مهم ایران را که وجدان و جامعه آمریکا را خدشه‌دار کرد. (مقصود رودنسون از پدیده‌هایی که وجدان آمریکا را خدشه‌دار کرده است، بالطبع

کننده یافته است. این موج جدید تجدید حیات اسلام چنان فراگیر است که با مرگ کمونیسم، اسلام به غلط یکی از رقیبان ایدئولوژیک آینده غرب تلقی می‌شود.

مرحله جدید تجدید حیات اسلام در اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع شد. این مرحله به شکل بارزی از تجربه مرحله اول آن در سال ۱۹۷۹ در ایران، پس از آن ۱۹۸۲ در لبنان و از اواخر دهه ۷۰ تا اوایل دهه ۸۰ در بین برخی گروه‌های کوچک در مصر، عربستان سعودی، کویت، سوریه و مانند آن‌ها ممتاز بود. دو اختلاف برجسته در این مرحله عبارت است از:

قانون‌گذاری و تاکتیک‌های اسلام‌گرایان جدید.^{۳۸}

چنان‌که ملاحظه شد، رابین رایت در آغاز، نگرانی خویش از جهان شمولی نهضت تجدید حیات اسلام توسط ایران را اعلام می‌کند، اما در ادامه به دلداری غریبان و ناامید کردن مسلمانان می‌پردازد.

رایت پس از آن، این چنین به نصیحت مسلمانان و خط‌دهی آنان می‌پردازد:

اموری مانند استقرار اولین مدل از جمهوری اسلامی، اخراج ۵۰/۰۰۰ مستشار نظامی آمریکایی، بستن لانه جاسوسی می‌باشد).

فقط با مطابقت الگوی سیره پیامبر اسلام تفسیر و تحلیل کند، بلکه این کتاب با تحلیلی که ارائه کرده است، امکان دارد بتواند به یک تفسیر واقع بینانه از این تحولات کمک بنماید؛^{۳۷} بار دیگر این کتاب در سال ۱۹۸۰ در نیویورک چاپ شد. علاوه بر این که پس از آن چاپ بسیار زیبایی نیز در پاریس از آن منتشر شد.

- اوج و افول جهان شمولی نهضت ایران از دیدگاه رابین رایت

رابین رایت در کتاب خود *اسلام و دموکراسی غرب* می‌نویسد:

«سیزده قرن پس از آن‌که اولین حکومت مذهبی مدرن جهان با انقلاب ایران پایه‌گذاری شد، اسلام بار دیگر به عنوان یک اسلوب سیاسی قدرتمند مطرح شده است. اکنون نه تنها در خاور میانه، بلکه در شمال و غرب آفریقا گرفته تا جمهوری‌های آسیای مرکزی و از هند تا غرب چین، اسلام به نحو فزاینده در برنامه‌های سیاسی نقش تعیین

«این نهضت‌های اسلامی برخاسته از بدعت‌های اسلامی است؛ البته باید دانست که دوره افراط‌گرایی مسلمانان در دو دهه اخیر امروزه به پایان رسیده و مسلمانان در کوره حوادث برخورد و مقابله با غرب دریافته‌اند که اقداماتی نظیر بمب‌گذاری و گروگان‌گیری و هواپیما ربایی راهگشا نیست و غرب با همه اختلاف نظرهایشان به صورت یکپارچه و متفق‌القول در برابر آن ایستاده است و تنها علاج کار مسلمانان به رسمیت شناختن نظم موجود و عمل کردن در محدوده مرزهای جغرافیایی خودی است. آنان باید جهان وطنانی منضبط و فهمیده باشند تا با برخورد قهرآمیز ناظران جهانی مواجه نشوند.»^{۳۹}

- ۹۳ مقاله مربوط به شیعه در دائرة المعارف آمریکانا

از *(the Encyclopediq Amricana)* بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دائرة المعارف‌های جهان و رایج‌ترین و مؤثرترین آثار علمی و فرهنگی غرب است. نویسندگان این دائرة المعارف افزون بر معرفی آنچه متعلق به آمریکاست، به معرفی و تحلیل پیرامون هزاران موضوع علمی و فرهنگی دیگر

جامعه بشری که متعلق به دیگر کشورها و ادیان مختلف جهان است، نیز پرداخته‌اند.

آن‌ها تنها برای معرفی شیعه ۹۳ مقاله درباره ده‌ها بعد از ابعاد تشیع تدوین کرده‌اند و طبیعی است که آمریکا چگونه شیعه و عقاید و آداب آن را باید ترسیم و معرفی کند!!^{۴۰}

سال ۱۸۲۹ م. این دائرة المعارف توسط فرانسیس لیبر در ۱۳ جلد در آمریکا منتشر شد. پس از چند دور افزایش، سال ۱۹۲۰ در سی جلد با در برداشتن ۴۵۰۰۰ مقاله با مشارکت ۶۵۰۰۰ نفر، به چاپ رسید. در تجدید نظر دیگر - تا جایی که نگارنده دسترسی داشته است - آخرین بازنگری انجام شده بر آن، در سال ۱۹۶۳ در ۳۰ مجلد منتشر شد.^{۴۱}

اخیراً مؤسسه شیعه‌شناسی در قم با مدیریت آقای محمد تقی‌زاده داوری تصمیم به شناسایی نقد آن مقالات گرفته و با همت ۲۵ محقق به نقد آن پرداختند. گزارش اجمالی این فعالیت در شماره یک سال اول فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی بهار ۸۲ آمده است و پس

۳. معمای ثبات سیاسی در کشورهای حاشیه خلیج فارس، دانیل پیمان و جرالدر گرین
۴. تندروی اسلامی در خاورمیانه، باری روبین
۵. انتخابات سال ۲۰۰۰ ایران، وی سامی
۶. اسلام‌گرایی در لبنان، نزار حمزه
۷. انتهای نظام سیاسی ایران به سمت مدل جدید، بولنت آرس
۸. تلاش برای ایجاد دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران، علیرضا ابوطالبی
۹. ارزیابی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مایکل ایزنشتات
۱۰. واکنش‌های ایران به تحریم اقتصادی آمریکا، هومن استقلال
۱۱. ایران و سلاح‌های کشتار جمعی، گروس
۱۲. رسانه‌های خبری در ایران معاصر، آ. وی. سامی
۱۳. ایران، سیاست، نیروهای نظامی و امنیت صلح، داریوش بازرگان
۱۴. صادرات نظامی چین به ایران، بیتس گل
۱۵. روابط ایران و روسیه در دهه ۹۰، رابرت فریدمن

از تکمیل به صورت یک کتاب مستقل چاپ شد.^{۴۲}

- مقالات دائرة المعارف اسلامی لیدن - پیرامون شیعه

این دائرة المعارف که توسط جمعی از مسیحیان و یهودیان تألیف شده است، ده‌ها مقاله پیرامون مذهب شیعه و موضوعات مربوط به آن است، تعدادی از آن‌ها بی‌طرفانه و تعدادی جاهلانه و برخی معاندانه و مغرضانه نوشته شده است.

- شیعه‌شناسی در دانشگاه‌های اسرائیل

دانشگاه بارایلان یکی از چهار دانشگاه مهم اسرائیل است که در موضوع اسلام و تشیع و انقلاب اسلامی ایران فعالیت می‌کنند. دانشکده عربی این دانشگاه متصدی این نقش مهم است که اهداف صهیونیسم را در این موضوعات تعقیب می‌کند.

این دانشکده تاکنون تحقیقات و تألیفات و انتشارات زیادی در این زمینه داشته، مثلاً:

۱. تروریسم جدید و روند صلح خاورمیانه، استیون سیمون
۲. فهم معنای ایران، نیکی کدی

۱۶. چرا مسلمانان رادیکال حکومت

را به دست نمی‌گیرند، امانویل سوان

۱۷. حزب‌الله لبنان بر سر تقاطع،

ایلازیسیر

دانشگاه تل آویو نیز یک دانشکده ادبیات و زبان عربی دارد که نقش عمده‌ای در اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی و تعقیب اهداف صهیونیسم ایفا می‌کند. یکی از فعالیت‌های این دانشکده برگزاری سمینارهایی در این موضوعات است.

برخی از سمینارهایی که تاکنون برگزار کرده، با عناوین زیر بوده است:

- موضوعات سمینارهای شیعه‌شناسی در اسرائیل

۱. ایدئولوژی جنبش روشنفکری در خاورمیانه جدید، گرشونی
۲. حماس، اسلام رادیکال در یک نزاع ملی، آنات کورزو
۳. جنبش ضد یهود ایران سال ۲۰۰۰،
۴. جهاد اسلامی فلسطین، میرلیتواک
۵. شیعیان دوازده امامی و اختلافات آن‌ها با اهل تسنن، دوین استوارت
۶. ۱۱ سپتامبر، جنگ تمدن‌ها، اسلام رویاروی غرب، مارک هلر
۷. ایران در تاریخ، برنارد لوئیس

۸. تهدید ایران، دلیل نگرانی نه اعلان

خطر، افریم کام

۹. مهم‌ترین سمینارهای سال ۱۹۸۴

با عنوان «تشیع، مقاومت و انقلاب» بود که در گرماگرم جنگ تحمیلی انجام گرفت. مقالاتی در آن کنفرانس ارائه شد که عبارت بود از:

۱. شیعه در تاریخ اسلام، برنارد لوئیس
۲. مطالعات غرب در خصوص اسلام شیعی، اتان کهلبرگ
۳. تشیع در روایت امام خمینی، نوعی ایدئولوژی خشونت انقلابی، ماروین زونیس، دانیل برومبورک
۴. محمود طالقانی و انقلاب ایران، منگول بیات
۵. اسلام و عدالت اجتماعی در ایران، شائول نجاش
۶. رویدادهای تکراری از انقلاب ایران، مایکل فیشر
۷. شیعه عراق و سرنوشت آن‌ها، الی کدوری
۸. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خلیج فارس، شهرام چوبین
۹. شیعیان حکومت لبنان، جوزف اولمرت
۱۰. علویان سوریه و تشیع، مارتین کرامر

موضوعات: ۶۵ عنوان مدخل مربوط به موضوع انقلاب اسلامی ایران را از ۱۰ دائرة المعارف بزرگ جهان استخراج و مطالب آن‌ها را ترجمه و به صورت یک کتاب عرضه کرده است. خواننده می‌تواند با مطالعه این کتاب با نوع دیدگاه‌های خارجی‌ها و مستشرقان نسبت به اسلام و شیعه و انقلاب اسلامی آشنا شود. ۷ دائرة المعارف، انگلیسی و ۳ تای دیگر به زبان فرانسوی است.

عناوین و مدخل‌های ۶۵ گانه به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از:

۱. آیه‌الله ۲. امام ۳. امل اسلامی لبنان
۴. انجمن ۵. انجمن اسلامی ۶. انقلاب
۷. انقلاب اسلامی ایران ۸. انقلاب سفید
۹. ایران ۱۰. ایران گیت ۱۱. بازار
۱۲. بازرگان مهدی ۱۳. بختیار شاهپور
۱۴. بنیاد ۱۵. بنی صدر ابوالحسن
۱۶. بهائیت ۱۷. پان اسلامیسم ۱۸.
- پهلوی محمدرضا ۱۹. تئوکراسی ۲۰.
- جبهه ملی ۲۱. جنگ ایران و عراق ۲۲.
- حائری یزدی ۲۳. حزب الله ایران
۲۴. حزب الله لبنان ۲۵. حزب جمهوری اسلامی
۲۶. حکومت ۲۷. خامنه‌ای علی
۲۸. خمینی روح‌الله ۲۹. خوبی ابوالقاسم
۳۰. رجائی محمدعلی ۳۱. رجوی
- مسعود ۳۲. رشدی سلمان ۳۳. هاشمی
- رفسنجانی اکبر ۳۴. روحانیت مبارز

۱۱. انقلاب ایران و مقاومت افغانستان، زلمی خلیل زاد (سفیر فعلی آمریکا در افغانستان)

۱۲. شیعیان پاکستان، منیر د احمد

۱۳. هویت شیعی و اهمیت محرم در لکهنو هند، کیث جورشوج^{۴۳}

- مدخل‌های انقلاب اسلامی ایران در ده دائرة المعارف بزرگ جهان غرب

یکی از مؤثرترین ابزارهایی که مستشرقان و اسلام شناسان غربی برای اعمال اغراض علمی خویش نسبت به اسلام و تشیع به کار گرفته‌اند، دائرة المعارف‌هایی است که در کشورهای مختلف غربی با عناوین گوناگون چاپ و در سطح جهان توزیع می‌شود و به عنوان منابع اصلی محققان همه کشورها قرار می‌گیرد. دقت در رویکردهای این دائرة المعارف‌ها نسبت به شیعه و انقلاب اسلامی ایران کار بایسته‌ای است که دکتر محسن شانه‌چی به آن اقدام و مرکز مطالعات فرهنگی، بین‌المللی - معاونت پژوهشی و آموزش - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی این کتاب را در سال ۷۹ چاپ نمود و نام *انقلاب اسلامی ایران در دائرة المعارف‌های جهان* را بر آن نهاد.

۳۵. روضه خوانی ۳۶. سپاه پاسداران
 ۳۷. شاه ۳۸. شریعتمداری محمد کاظم
 ۳۹. شریعتی علی ۴۰. شورای نگهبان
 ۴۱. شهادت ۴۲. صدر محمدباقر
 ۴۳. صدر موسی ۴۴. طالقانی محمود
 ۴۵. عاشورا ۴۶. عتبات ۴۷. علمای شیعه
 ۴۸. قم ۴۹. کربلا ۵۰. کمیته
 ۵۱. گروگانگیری ۵۲. گلپایگانی محمد
 رضا، ۵۳. مجاهدین خلق ۵۴. مجتهد
 ۵۵. مجلس خبرگان ۵۶. مرجع تقلید
 ۵۷. مسجد ۵۸. مطهری مرتضی
 ۵۹. منتظری حسینعلی ۶۰. موسوی
 میرحسن ۶۱. نوگرایی ۶۲. نهضت آزادی
 ۶۳. ولایت ۶۴. ولایت فقیه
 ۶۵. ولایتی علی اکبر

- گزارشی از پروژه بیت‌الحکمه در پاریس توسط یونسکو^{۱۱}

بیت‌الحکمه، نهاد آموزشی و پژوهشی بود که در نیمه دوم سدهٔ دوم قمری، در دوره خلافت هارون الرشید عباسی در بغداد تأسیس شد. به دلیل فعالیت‌های فرهنگی و علمی آن در عرصه‌های مختلف تألیف، ترجمه، استنساخ و پژوهش در دانش‌های گوناگون پزشکی، انسانی و مهندسی به عنوان تابلو و نماد تمدن اسلامی شناخته شد. در اواخر نیمهٔ دوم سدهٔ

بیستم میلادی نیز یونسکو بخشی به نام بیت‌الحکمه در دفتر مرکزی خود در پاریس ایجاد کرد که تا امور مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی را مدیریت نموده، سامان بخشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

استشرق حرکتی مستمر در طول تاریخ بوده که فراز و نشیب‌های متعددی داشته و نمی‌توان در مورد همه مستشرقان به یک صورت داوری کرد. آنچه مهم است، شرق‌شناسی در قرن بیستم به حرکت ظاهراً علمی تبدیل شد و در سال‌های اخیر مطالعات شرق‌شناسی به سوی انقلاب اسلامی و شیعه تمایل یافت که گاهی با رویکردی ستیز جویانه همراه بوده است.

منابع

۱. ابن قوطیه، *تاریخ فتح اندلس*، مترجم حمیدرضا شیخی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.
۲. آلوسی، عادل، *التراث العربی و المستشرقون*، دارالفکر، قاهره، ۲۰۰۱.
۳. بهی، محمد، *اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب*، ترجمه دکتر سید حسین سیری، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
۴. جنید، محمد، *سیر الاستشراق و التبشیر، قرائة تاریخیة موجزة*، دار قباء للطباعة والنشر، قاهره، ۱۹۹۹.
۵. دسوقی، محمود، *سیر تاریخی و ارزبابی اندیشه شرق‌شناسی*، ترجمه افتخارزاده، هزاران، تهران، ۱۳۷۶.
۶. رودنسون، ماکسیم، *الاسلام، عقیده و سیاست*، تعریب اسعد صقر، عطیه، بیروت، ۱۹۹۶.
۷. سعید، ادوارد، *شرق‌شناسی*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۸. العاج، ساسی سالم، *نقد الخطاب الاستشراقی؛ دارالمدار الاسلامیة*، طرابلس، دارالفکر، بیروت و دمشق، ۲۰۰۲.
۹. *فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی*، سال اول، شماره اول.
۱۰. *فصلنامه کتاب‌های اسلامی*، سال دوم، شماره ۶.
۱۱. فوک، یوهان، *تاریخ حرکت الاستشراق؛ الدراسات العربیة و الاسلامیة فی اروپا حتی بدایة القرن العشرين*، تعریب عمر لطفی العالم، دارقبة، دمشق، ۱۴۱۷.
۱۲. لطفی، *المستشرقون و القرآن*، سلسله دعوة الحق لرابطة العالم الاسلامی، مکه، ۱۹۹۰.
۱۳. معالیقی، منذر، *الاستشراق فی المیزان*، طرابلس، المكتب الاسلامی، بیروت، [بی‌تا].
۱۴. کاشانی، مجید، *غرب در جغرافیای اندیشه*، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۱.

صفحه سفید

پی‌نوشت‌ها

- ^{۱۸}. همان، ص ۶.
- ^{۱۹}. *ازمة الاستشراق الحديث*، ص ۱۲، جامعة الامام محمد بن سعود، ص ۱۴۲۱.
- ^{۲۰}. *شرق شناسی*، ص ۷۹، نقل از *دائرة المعارف بریتانیکا*، سال ۱۹۷۴، ص ۸۹۳، مقاله «استعمار» نوشته (Hary Magdoff).
- ^{۲۱}. *نقد الخطاب الاستشراقی*، ج ۱، ص ۶۱.
- ^{۲۲}. لطفی، عالم، *المستشرقون و القرآن*، ص ۱۱.
- ^{۲۳}. *شرق شناسی*، ص ۳۱.
- ^{۲۴}. همان، ص ۳۴.
- ^{۲۵}. همان، ص ۴۲۹.
- ^{۲۶}. همان، ص ۸۴.
- ^{۲۷}. همان، ص ۱۵۰.
- ^{۲۸}. همان، ص ۱۵۴، نقل از: *توصیف مصر*، چاپ پاریس.
- ^{۲۹}. همان، ص ۱۵۱، نقل از: *بنایارت در مصر*، ص ۲۲، تألیف تبری، و *بنایارت و اسلام*، ص ۲۴۹، تألیف کریستین چرفیس.
- ^{۳۰}. *الاستشراق و الخلیفة الفکرية*، ص ۳۲، نقل از: ساذرن، *نظرة الغرب الى الاسلام فی القرون الوسطی*، ترجمه علی فهمی، نشر مکتبه الفکر لیبی ص ۱۷.
- ^{۳۱}. *الاستشراق والدراسات الاسلامیه*، ص ۱۳۲. نقل از: *Islam the straight oath P-I*، تألیف: Esposito John L.
- ^{۳۲}. معرفی مشروح ابن مستشرقان در مباحث بعد خواهد آمد.
- ^{۳۳}. *الاستشراق و الخلیفة الفکرية*، ص ۳۸.
- ^{۳۴}. معرفی این شخصیت‌ها در بخش استشراق علمی خواهد آمد.
- ^{۳۵}. رحمتی فاطمه، *فصلنامه کتاب‌های اسلامی*، سال دوم، ش ۶.
- ^۱. *الاستشراق و الخلیفه*، ص ۳۰.
- ^۲. *تاریخ حرکت الاستشراق*، ص ۴ - ۶۱.
- ^۳. *التراث العربی و المستشرقون*، ص ۲۲.
- ^۴. همان، ص ۲۰.
- ^۵. ابن قوطیه، *تاریخ فتح اندلس*، متوفی ۳۶۷، مترجم حمیدرضا شیخی، ص ۳۳-۳۰.
- ^۶. دکتر اسماعیل سالم عبدالعال، *المستشرقون و القرآن*، ص ۷، سلسله دعوت الحق لرابطة العالم الاسلامی، مکه، ۱۹۹۰.
- ^۷. دکتر محمد السید الجلیند، *الاستشراق و التبشیر*، *قراءة تاریخیه موجزه*، ص ۱۶.
- ^۸. *سیر تاریخی و ارزایی اندیشه شرق شناسی*، ص ۱۱۰.
- ^۹. *الاستشراق و الخلیفه*، ص ۳۴، نقل از Guslav Planmueller: *handbuck der islamilterlur P - ۶۳*.
- ^{۱۰}. *الاستشراق و الخلیفه*، ص ۹۷، نقل از *الفکر الاسلامی الحديث*، دکتر البهی، ۵۵۶ و ۶۰۸ و ۶۱۲.
- ^{۱۱}. *صحیفه نور*، ج ۴، ص ۱۵.
- ^{۱۲}. *تاریخ حرکت الاستشراق*، ص ۳۷-۳۸.
- ^{۱۳}. معرفی مشروح و گزارش فعالیت‌های این شرق شناسان در مباحث بعدی خواهد آمد.
- ^{۱۴}. دکتر محمد بهی (رئیس سابق دانشگاه الازهر)، *اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب*، ص ۲۵ تا ۲۷.
- ^{۱۵}. *نقد الخطاب الاستشراقی*، ج ۱، ص ۶۱.
- ^{۱۶}. همان، ج ۱، ص ۶۵، نقل از: *Phistorie napoleon - paris*، ص ۲۱۱.
- ^{۱۷}. *الاستشراق فی المیزان*، ص ۲۸.

۳۶. ماکسیم رودنسون، *الاسلام، عقیده و سیاست*، ص ۶۶.
۳۷. ماکسیم رودنسون، *الاسلام سیاسی و عقیده*، تعریف اسعد صقر، ص ۲۹.
۳۸. کاشانی دکتر مجید، *غرب در جغرافیای اندیشه*، ص ۳۵، نقل از رابین رایت، *اسلام و دموکراسی غرب*، ترجمه علی‌رضا طیب، *مجله سیاست خارجی*، بهار ۷۲، ص ۱۳.
۳۹. همان، ص ۳۶.
۴۰. *فصلنامه تخصصی شیعه شناسی*، محمد تقی‌زاده داوری، سال اول، شماره ۱.
۴۱. the Encyclopedia Amricanan – New york chlago Washington – ۱۹۶۳.
۴۲. *فصلنامه تخصصی شیعه شناسی*، محمد تقی‌زاده داوری، سال اول، شماره ۱.
۴۳. *فصلنامه شیعه شناسی*، سال اول، شماره ۲۰، تابستان ۸۲، ص ۹۱.
۴۴. *فصلنامه کتاب‌های اسلامی*، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۰، احمد مسجد جامعی، *مقاله احسان نراقی*، ترجمه لقمان سرمدی.